



فرهنگ، سیاستگذاری فرهنگی و توسعه پایدار: شناخت روابط و الزامات

اسماعیل احمدی

مدیرکل کتابخانه های عمومی استان کردستان و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

Ahmadi.es56@gmail.com

چکیده

به منظور تأکید بر نقش فرهنگ و اثرگذاری مثبت و مؤثر آن بر توسعه پایدار و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی در فرایند توسعه پایدار و همچنین جلوگیری از اثرات منفی توسعه پایدار بر فرهنگ جوامع، تدوین سیاستگذاری فرهنگی در فرایند توسعه پایدار الزامی است. اما تاکنون در سیاستگذاری‌های فرهنگی نسبت به آرمان‌های توسعه پایدار که پایداری و همه‌جانبه بودن توسعه و نیز توجه به زیست بی‌دغدغه آیندگان است، واکنش مطلوبی نداشته‌ایم. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است ضمن شناخت و تبیین روابط فرهنگ و توسعه پایدار، الزامات سیاستگذاری فرهنگی در توسعه پایدار را از دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه شناسایی نماید.

پژوهش حاضر با رویکرد روش‌شناختی کیفی انجام شده و روش پژوهش، تحلیل موضوعی است. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق و به شکل انفرادی گردآوری شده است. افراد مشارکت‌کننده، ۱۴ نفر از صاحب‌نظران در زمستان سال ۱۳۹۵ بودند. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام گرفت و تا اشباع اطلاعات ادامه یافت. تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری اطلاعات با رویکرد تحلیل موضوعی انجام گرفت.

بر اساس اهداف پژوهش، داده‌ها در ۲ مقوله کلی روابط و الزامات تحلیل و دسته‌بندی گردید. در مقوله روابط ۳ موضوع اصلی یافت شد که عبارت‌اند از: رابطه در هم تنیدگی، رابطه اثرگذاری (اثرات توسعه پایدار بر فرهنگ) و رابطه اثرپذیری (اثرپذیری توسعه پایدار از فرهنگ). مقوله الزامات نیز شامل ۲ موضوع اصلی پیش‌نیازها و مقدمات تدوین سیاستگذاری فرهنگی و محتوای سیاستگذاری فرهنگی با ۲۶ زیر موضوع است. توجه به روابط فرهنگ و توسعه پایدار و رعایت الزامات به‌دست آمده در پژوهش حاضر، منجر به تدوین سیاستگذاری می‌شود که از مسیر فرهنگی، توسعه پایدار را ایجاد و تقویت خواهد کرد. این سیاستگذاری‌های فرهنگی، نتایجی در سطح ملی و بین‌المللی به همراه خواهد داشت. در سطح ملی با شکل‌گیری قدرت فرهنگی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، حفظ و گسترش هویت فرهنگی، تجارت فرهنگی، کسب ثروت و تسهیل و نهادینه کردن مشارکت شهروندان را محقق خواهد کرد و نیز به علت تولید و گسترش حجم وسیعی از فرآورده‌های فرهنگی و هنری در جامعه، زمینه زیست صلح‌جویانه مسالمت‌آمیز را که سرشار از امید و نشاط برای شهروندان است، فراهم می‌نماید. در بعد بین‌المللی هم علاوه بر تجارت فرهنگی با تبادل و تعامل فرهنگی، ضمن تقلیل تنازعات جهانی زمینه ارتقاء و نفوذ معنوی و فرهنگی در عرصه جهانی را برای کشور فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، فرهنگ، سیاستگذاری فرهنگی، روابط، الزامات.



Culture, cultural policy-making and sustainable development: recognizing relations and requirements

Smail Ahmadi

Director of Public Libraries, Kurdistan, Iran

Ahmadi.es56@gmail.com

Introduction and aim: it is necessary to compile the cultural policy-making in the process of sustainable development for emphasis on role of culture and its positive effectiveness on sustainable development and use of cultural capacities in process of sustainable development as well as preventing of negative effects of it on culture in societies. Up to now, we have had no desirable reaction in cultural policy-making for ideals of sustainable development. So, this research while recognizing and explaining cultural relations and sustainable development aims to recognize the requirements of cultural policy-making in sustainable development from authorities' viewpoint in this field.

Methodology: this research has been done in a qualitative approach and its method is thematic analysis. Data has gathered with deep and single interview. Fourteen authorities have been interviewed during the winter 1395. Targeted sampling has been done and continued up to saturation of information. Data analysis simultaneously done with data gathering in a thematic analysis approach.

Findings: According to research goals, data classified in two general categories named as relations and requirements. Three main subject found in relation category: interrelated relations, effectiveness relations (effects of sustainable development on culture) and affected relations (effected of sustainable development from culture). Requirement relations contains two main subjects named as prerequisites and introductions for compiling cultural policy-making and cultural policy-making content has 26 sub subjects.

Results: attention to cultural relations and sustainable development and considering on obtained requirements in this research, will result in compiling of a policy-making to create and reinforce sustainable development through culture. These cultural policy-makings will have had results in national and international levels. In national level, cultural power formation causes decline in social hurts, protect and spread of cultural identity, cultural commerce, obtaining wealth and facilitate citizens cooperation. Also, provide peaceful life that is full of hope and exhilaration for citizens through huge volume of cultural and artistic products. In international level, through the cultural interaction and exchange, besides cultural commerce, provides the background for spiritual and cultural promotion and influence in global arena.

Keywords: sustainable development, culture, cultural policy-making, relations, requirements.

مقدمه

پیش از دهه ۸۰ میلادی، اندیشمندان و برنامه‌ریزان توسعه، بیشتر بر بعد اقتصادی توسعه تأکید می‌کردند که نتیجه آن توسعه نیافتگی، تشدید فاصله طبقاتی، ناپایداری توسعه و تخریب محیط زیست و ... بود. از آن زمان به بعد توسعه پایدار نزد اندیشمندان جایگاهی ویژه یافت. این نوع توسعه دارای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیطی، فرهنگی و سیاسی است که در ارتباط با هم فرآیند توسعه را شکل می‌دهند (حقیقی، ۱۳۸۸: ۷۶). پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نمی‌کند. پایداری بر حمایت یا دوام بلند دلالت می‌کند (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۴۷). توسعه پایدار تنظیم و ساماندهی تعامل انسان و محیط و تعامل انسان و انسان را در بر می‌گیرد. سه عامل مهمی که به رواج تفکر توسعه پایدار کمک کرده‌اند، عبارت‌اند از: (۱) نتایج بد کارکردی اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری که خود برای مقابله با بحران اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۸۰ تدوین شده است؛ (۲) افزایش بی‌امان و وقفه‌ناپذیر فقر و گرسنگی و نابرابری در جهان؛ و (۳) تخریب نگران‌کننده محیط زیست و منابع طبیعی در نتیجه کاربرد فناوری‌ها (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۷: ۲۴۵). توسعه پایدار یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده است که معانی متفاوت و بسیاری دارد. مفهوم توسعه پایدار، یک نوع تلاش برای ترکیب مفاهیم در حال رشد حوزه‌ای از موضوعات محیطی با موضوعات اجتماعی-اقتصادی می‌باشد (گرچی مهلبانی، ۱۳۸۹: ۹۲). توسعه پایدار علاوه بر تأمین نیازهای نسل کنونی، تأمین نیازها و احتیاجات نسل آینده را نیز در نظر دارد.

امروزه فرهنگ، در کنار ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه پایدار، به عنوان بعد چهارم پایداری و حتی بعد مرکزی توسعه پایدار، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. طبق اظهار یونسکو، فرهنگ در سطح جهان به عنوان یک توانمندساز و کمک‌کننده به توسعه پایدار محسوب می‌شود (یونسکو، ۲۰۱۶). در طول دهه گذشته، آمارها، شاخص‌ها و داده‌ها در بخش فرهنگی و همچنین فعالیت‌های عملیاتی تأکید می‌ورزند که فرهنگ می‌تواند راننده قدرتمندی با تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و زیست-محیطی گسترده برای توسعه باشد. مشارکت بخش فرهنگی به ویژه در اقتصاد و کاهش فقر است. میراث فرهنگی، صنایع فرهنگی و خلاق، گردشگری فرهنگی پایدار و زیرساخت‌های فرهنگی می‌توانند به عنوان ابزاری استراتژیک برای تولید درآمد به ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای خدمت کنند که میراث فرهنگی اغلب غنی و نیروی کار قابل توجهی دارند. صنایع فرهنگی و خلاق و گردشگری به یکی از سریع‌ترین بخش‌های در حال رشد در اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند. توسعه فرهنگ محور، همچنین شامل طیف وسیعی از مزایای غیر کسب درآمد، مانند شمول اجتماعی بیشتر، انعطاف‌پذیری، نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی برای افراد و جوامع و استفاده از منابع محلی، مهارت‌ها و دانش است. احترام و حمایت از عبارات فرهنگی به تقویت سرمایه اجتماعی یک جامعه کمک می‌کند و اعتماد به نهادهای عمومی را پرورش می‌دهد. عوامل فرهنگی نیز سبک زندگی، رفتار فردی، الگوهای مصرف، ارزش‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست و تعامل ما با محیط زیست طبیعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیستم‌های دانش بومی و محلی و شیوه‌های مدیریت زیست-محیطی، بینش و ابزار ارزشمندی برای مقابله با چالش‌های زیست-محیطی، جلوگیری از دست رفتن تنوع زیستی، کاهش فرسایش زمین و کاهش اثرات تغییرات آب و هوایی فراهم می‌کند (یونسکو، ۲۰۱۲). امروزه مشخص شده است که مبنای هر نوع توسعه، توسعه فرهنگی است؛ از این رو، دولت‌ها باید در راستای رسیدن به توسعه همه‌جانبه، سعی در تغییر نگرش خویش به انسان، به صورت موجودی فرهنگی داشته باشند (صالح‌نیا، دهنوی و حق‌نژاد، ۱۳۸۹: ۶۶). عوامل فرهنگی نقش ارزنده‌ای در توسعه پایدار دارد. هویت فرهنگی و برخورداری از فرهنگی بالنده و پیشرو از عوامل ضروری و اساسی برای توسعه پایدار است (حقیقی، ۱۳۸۸: ۷۶).

به منظور تأکید بر نقش فرهنگ و اثرگذاری مثبت و مؤثر آن بر توسعه پایدار و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی در فرایند توسعه پایدار و همچنین جلوگیری از اثرات منفی توسعه پایدار بر فرهنگ جوامع، تدوین سیاستگذاری فرهنگی در فرایند توسعه پایدار الزامی است.

سیاستگذاری فرهنگی عبارت است از «تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی یعنی همکاری‌های فرهنگی؛ مشارکت فرهنگی؛ میراث فرهنگی و هویت فرهنگی که یونسکو نخستین بار با ارائه

۱. UNESCO

مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح نمود (حسین‌لی، ۱۳۷۹: ۲). سیاستگذاری فرهنگی گاه سیاستگذاری برای توسعه فرهنگ است و گاه سیاستگذاری برای توسعه پایدار که در اولین کاربرد، فرهنگ به مفهوم محدودتر و در دومین نگرش به مفهوم وسیع‌تر به کار می‌رود. در نگرش اخیر، بر نقش مرکزی فرهنگ در توسعه تأکید می‌شود (اشترینان، ۱۳۸۱: ۱۰). سیاستگذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی دراز مدت و میان مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. سیاستگذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان در تشخیص و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی می‌باشد و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (خان‌محمدی، ۱۳۸۶). سیاستگذاری فرهنگی با تعریف فرهنگ و شناسایی متغیرهای اساسی آن شکل می‌گیرد. تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاست‌ها را مشخص نموده و حیطه عمل مدیران را ترسیم می‌نماید (صالحی‌میلانی و محمدی، ۱۳۹۰: ۴۷).

در سیاستگذاری فرهنگی می‌بایست پیش‌زمینه‌های زیر مورد توجه قرار گیرند: (۱) شناسایی اهداف کلان نظام و شناسایی و تحلیل طرح‌ها و اقدامات اجرایی؛ (۲) مفهوم مخاطب فرهنگی و نیازها و اهداف متفاوت مخاطبان؛ (۳) شناسایی خصوصیات فرهنگی، توانایی‌های فکری و مادی جامعه و گونه‌های مختلف تمایلات؛ (۴) مفهوم هویت فرهنگی با تعریف خصوصیات رفتاری تقریباً همگان در یک جامعه؛ و (۵) توجه به مسائل و موضوعات تخصصی فرهنگی در کنار بررسی ارتباط فرهنگ با حوزه‌های خویشاوند نظیر آموزش، اطلاع‌رسانی و رسانه‌های جمعی، محیط زیست و کیفیت زندگی؛ در عین لزوم تفکیک مسئولیت‌ها و وظایف (پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

تاکنون در سیاستگذاری‌های فرهنگی نسبت به آرمان‌های توسعه پایدار که پایداری و همه‌جانبه بودن توسعه و توجه به زیست بی‌دغدغه آیندگان است، واکنش مطلوبی نداشته‌ایم. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است ضمن شناخت و تبیین روابط فرهنگ و توسعه پایدار، الزامات سیاستگذاری فرهنگی در توسعه پایدار را از دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه شناسایی نماید تا بدین ترتیب راهنمایی پیرامون تدوین سیاستگذاری‌های فرهنگی در توسعه پایدار پیش‌روی مسئولان قرار گیرد.

پیشینه

بررسی‌ها نشان می‌دهد اگرچه آثار بسیار زیادی با موضوع توسعه پایدار و مباحث مرتبط با آن از جمله فرهنگ انتشار یافته است، اما اثری پژوهشی که با رویکرد پژوهش حاضر به بحث روابط فرهنگ و توسعه پایدار و الزامات سیاستگذاری‌های فرهنگی در توسعه پایدار پرداخته باشد، انجام نشده است. عمده آثار منتشر شده با رویکرد نظری و مروری و غیر پژوهشی به برخی از مباحث مورد توجه در نوشتار حاضر پرداخته‌اند که به مناسبت در قسمت‌های مختلف نوشتار حاضر از آن‌ها استفاده شده است. در ادامه آثار پژوهشی که در برخی جهات با پژوهش حاضر مرتبط هستند، معرفی می‌شوند.

صالحی‌میلانی و محمدی (۱۳۹۰) با هدف تدوین شاخص‌های سیاستگذاری فرهنگی در قلمرو عمومی، درصدد بودند بر اساس چارچوب‌های موجود در زمینه سیاستگذاری و توسعه فرهنگی، اصول و شاخص‌های سیاستگذاری فرهنگی را به منظور تحقق پایداری فرهنگی تبیین نمایند. بر این اساس، برنامه‌ریزی فرهنگی در نمونه‌هایی از کشورهای شمال و جنوب مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد شاخص‌های مؤثر بر سیاستگذاری فرهنگی با هدف دستیابی به توسعه پایدار فرهنگی موارد زیر را در بر می‌گیرد: دسترسی همگان به خدمات و مکان‌های فرهنگی، مشارکت، توجه به حقوق فرهنگی، تنوع فرهنگی، توجه به میراث فرهنگی، آموزش و تحصیل، خلاقیت و توجه به ایجاد مراکز و فعالیت‌های مدنی و هنری.

ملک‌محمدی و کمالی (۱۳۹۲) در پژوهشی با هدف تحلیل موانع نهادینه شدن سیاستگذاری توسعه پایدار و ارائه مدلی برای نهادینه‌سازی آن در ایران به این نتیجه دست یافتند که مجموعه‌ای از عوامل شناختی، نهادی-قانونی، سیاستی و اجتماعی، مانع نهادینه شدن سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران است. در نتیجه نهادینه‌سازی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران نیازمند کاربست مدلی است که مبتنی بر این موانع و با استفاده از اسناد بین‌المللی باشد تا با استفاده از تجربه سایر کشورها و نظرات متخصصان داخلی، انجام اقدامات و تغییراتی را در هر زمینه پیشنهاد دهند. متأسفانه در این اثر، اشاره‌ای به فرهنگ در فرایند توسعه پایدار نشده است.

تعدادی از آثار مرتبط دیگر، به بررسی نقش، اهمیت و تأثیر فرهنگ و متغیرهای فرهنگی بر توسعه پایدار (به ویژه توسعه اقتصادی) پرداخته‌اند که از جمله آنها، اثر یونسکو (۲۰۱۵)، تالماسیو^۲ (۲۰۱۵)، گرینچوا^۳ (۲۰۱۶) و سرکار و وکو^۴ (۲۰۱۶) را می‌توان نام برد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد روش‌شناختی کیفی انجام شده و روش پژوهش، تحلیل موضوعی است. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق و به شکل انفرادی گردآوری شده است.

در روش مصاحبه عمیق، مصاحبه‌گر با مطرح کردن موضوع مکالمه، شرکت‌کنندگان را به صحبت در رابطه با موضوع مطرح شده ترغیب می‌کند و بر اساس آنچه مصاحبه‌شونده در جریان مصاحبه مطرح می‌کند، سؤالات بعدی خود را شکل می‌دهد (حریری، ۱۳۸۵). در مصاحبه عمیق که مصاحبه نیمه ساختاریافته نیز نامیده می‌شود، محقق راهنمای مصاحبه را برای انجام مصاحبه اصلی تهیه می‌کند. راهنمای مصاحبه به مصاحبه‌گر کمک می‌کند که بر روی مصاحبه تمرکز داشته باشد و بتواند مصاحبه را هدایت کند. راهنمای مصاحبه شکل گفتگوهای اصلی، عبارات و مفاهیمی که باید مورد پرسش قرار گیرند و محقق می‌خواهد آن را مورد پرسش قرار دهد، تأمین می‌کند. به طور معمول چنین روشی مشتمل بر ایده‌هاست که سؤالات از آن پیروی می‌کنند (استربرگ^۵، ۱۳۸۴).

جامعه آماری این پژوهش، صاحب‌نظرانی بودند که در حوزه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و توسعه پایدار آثاری را منتشر نموده بودند و همچنین به شرکت در مصاحبه تمایل داشتند. روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و حجم نمونه به اشباع اطلاعات و تکرارپذیری داده‌ها بستگی داشت. در مجموع ۱۴ مصاحبه انجام شد. مدت مصاحبه‌ها بین ۳۵ تا ۵۰ دقیقه متغیر بود. در زمان اجرای مصاحبه‌ها علاوه بر یادداشت‌برداری از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان و نکات مطرح شده، با استفاده از دستگاه ضبط صوت، مصاحبه‌ها ضبط شد. ملاحظات اخلاقی لازم شامل کسب موافقت مصاحبه‌شوندگان و اعلام محرمانه بودن اطلاعات و حفظ حریم خصوصی آنان انجام شد.

روایی و اعتبار تحقیق در مطالعات کیفی همانند مطالعات کمی به ارزیابی و اندازه‌گیری داده‌ها پرداخته نمی‌شود. در مطالعات کمی اعتبار و روایی ابزار یا ابزارهای اندازه‌گیری مدنظر است، اما در مطالعات کیفی معیارهایی مانند «موثق بودن»، «قابل اعتماد بودن»، «قابل اطمینان بودن» و «قابل تثبیت بودن» داده‌ها مطرح است. بنابراین در مطالعات کیفی برای رسیدن به این امور، تبحر پژوهشگر در ایجاد ارتباط با افراد مورد مطالعه، توانایی وی در انجام مصاحبه، فراهم نمودن اطمینان لازم جهت اخذ داده‌های واقعی از مصاحبه‌شوندگان می‌تواند در درستی و اعتبار داده‌ها مؤثر باشد (استربرگ^۵، ۱۳۸۴). از این‌رو، جهت کسب اعتبار تبحر پژوهشگر، پژوهشگر از راهنمایی‌ها و تجارب دو نفر از متخصصان رشته جامعه‌شناسی و علوم سیاسی با سابقه انجام پژوهش کیفی در زمان اجرای مصاحبه‌ها کمک گرفت. در ابتدا ۳ مصاحبه به صورت آزمایشی انجام شد و پس از انجام اصلاحات لازم و دریافت تأیید، کار آغاز شد. همچنین از صحت داده‌ها نیز با ارائه اطلاعات استخراج شده از مصاحبه‌ها به برخی از مشارکت‌کنندگان اطمینان لازم حاصل شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مطابق با روش تحلیل موضوعی که نوعی تحلیل محتوای داده‌هاست که در آن طبقه‌بندی بر اساس «موضوعات» انجام می‌شود (استراس و کوربین^۶، ۱۳۹۳)، ابتدا صحبت‌های ضبط شده بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه، بر روی کاغذ پیاده و سپس در رایانه تایپ و ذخیره شدند. همچنین ثبت علائم حاشیه‌ای نیز از قبیل سکوت، تأسّف و غیره در این مرحله برای مرتبط ساختن داده‌ها انجام شد. سپس جهت تسلط کافی پژوهشگر بر روی داده‌ها متن مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه و مرور شد. در مرحله بعد داده‌ها به واحدهای معنایی (کد) در قالب جملات و پاراگراف‌های مرتبط با معنای اصلی

۲. Talmaciu

۳. Grincheva

۴. Srakar & Vecco

۵. Sterberg

6. Corbin & Strauss

شکسته شدند. واحدهای معنایی نیز چندین بار مرور و سپس کدهای مناسب هر واحد معنایی نوشته شدند. به این صورت که در هر کدام از مصاحبه‌ها، موضوعات از یکدیگر مجزا گردید و سپس هر موضوعی به زیر مجموعه‌های دیگری تقسیم شده و به این ترتیب موضوعات و زیر موضوعات همه مصاحبه‌ها مشخص شدند. کدها بر اساس تشابه مفهومی و معنایی طبقه‌بندی و تا حد امکان کوچک و فشرده شدند. روند تنزل در داده‌ها در تمام واحدهای تحلیل و طبقات فرعی و اصلی جریان داشت. در نهایت داده‌ها در طبقه‌های اصلی که کلی‌تر و مفهومی‌تر هستند، قرار گرفتند و سپس تم‌ها انتزاع و پیشنهادات ارائه شدند (استربرگ، ۱۳۸۴).

یافته‌ها

مشخصات دموگرافیک نمونه مورد مطالعه به این شرح بود: ۱۴ مرد با سطح تحصیلات دکتری (۱۱ نفر) و دانشجوی دکتری (۳ نفر) بودند. رشته تحصیلی ایشان علوم سیاسی (۷ نفر)، اقتصاد (۲ نفر)، جامعه‌شناسی (۲ نفر)، فرهنگ و ارتباطات (۱ نفر)، سیاستگذاری عمومی (۱ نفر) و مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی (۱ نفر) بودند. تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه منجر به استخراج ۵ موضوع اصلی و ۲۶ زیر موضوع در ۲ مقوله کلی روابط و الزامات گردید که در شکل شماره ۱ تصویر شده است.

روابط فرهنگ و توسعه پایدار و الزامات سیاستگذاری فرهنگی در توسعه پایدار



شکل ۱. روابط فرهنگ و توسعه پایدار و الزامات سیاستگذاری فرهنگی در توسعه پایدار

۱. روابط فرهنگ و توسعه پایدار

پیش از تدوین سیاستگذاری‌های فرهنگی در حوزه توسعه پایدار، نیازمند شناخت روابط فرهنگ و توسعه پایدار هستیم؛ از این رو به عنوان نخستین سؤال از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد که: «فرهنگ و توسعه پایدار چه روابطی با یکدیگر دارند؟». اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان داد در درجه اول فرهنگ و توسعه پایدار از هم جدا نبوده و در هم تنیده هستند. دیگر روابط مربوط به تأثیرپذیری فرهنگ و توسعه پایدار از یکدیگر بود که در ادامه تبیین می‌شود.

۱-۱. **رابطه در هم تنیدگی:** گفته‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که فرهنگ و توسعه پایدار از یکدیگر جدا نیستند. به گفته آنان اگرچه توسعه پایدار عمدتاً به اقتصاد و مسائل اجتماعی و حفظ محیط زیست توجه دارد، اما از آنجا که توسعه پایدار نگاهی همه‌جانبه و انسان‌محور دارد و اینکه توسعه، مستلزم رفتارهای خاص انسانی است که کاملاً به فرهنگ وابسته است. نمی‌توان فرهنگ را از توسعه پایدار جدا دانست. در واقع همه انواع توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باید مبتنی بر فرهنگ باشد. به گفته آنان توسعه مناسب، توسعه‌ای ماهیتاً فرهنگی است. راه‌حل‌های توسعه پایدار برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی‌های زیست-محیطی، افزایش بی‌رویه جمعیت و نظایر آن مبتنی بر فرهنگی است که در آن ارزش‌ها، نگرش‌ها و افکار انسان‌ها حامی این برنامه‌هاست. مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که هر نوع کنش اجتماعی و اقتصادی فرد منبعت از یک نوع سنت فرهنگی است و در مقابل، سنت‌ها و رفتارهای فرهنگی افراد، آثار اقتصادی و اجتماعی خاصی را خلق می‌کند و این گویای تنیدگی این رابطه می‌باشد.

۲-۱. **رابطه اثرگذاری (اثرات توسعه پایدار بر فرهنگ):** مصادیق عینی خارج شده از متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که توسعه پایدار کاملاً بر فرهنگ جامعه اثرگذار است و این تأثیر می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد. بنا بر اظهارات مشارکت‌کنندگان توسعه پایدار، به ویژه جنبه اقتصادی و فناوری آن، ابعاد فرهنگی فراوانی دارد و هویت، سبک زندگی، طرز تفکر و نگرش انسان‌ها را متحول می‌سازد. البته این تغییر و تحول در صورتی که دارای سیاستگذاری فرهنگی صحیح و به موقع نباشد، آثار منفی برای فرهنگ به بار خواهد آورد. با این حال، توسعه پایدار می‌تواند وضعیت فرهنگی جوامع را بهبود بخشد و باعث پیشرفت فرهنگی شود. قائل بودن توسعه پایدار به تکثر فرهنگی، به تنوع فرهنگی منجر می‌شود.

۳-۱. **رابطه اثرپذیری (اثرپذیری توسعه پایدار از فرهنگ):** مبنای توسعه حقیقی و پایدار، توسعه فرهنگی است و به مثابه ریشه‌ای که درخت را تغذیه می‌کند؛ سایر ابعاد توسعه (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) نیز از این بعد مهم تغذیه می‌شوند. عوامل فرهنگی از چهار طریق، رفتار اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: از طریق تأثیر آن بر سازمان‌ها و تولید، عقاید مرسوم پیرامون مصرف و کار، توانایی خلق و مدیریت نهادها و ایجاد شبکه‌های اجتماعی (صالح‌نیا، دهنوی و حق‌نژاد، ۱۳۸۹: ۷۰). به گفته ۸ نفر از مشارکت‌کنندگان فرهنگ یکی از اجزاء توسعه پایدار نیست، بلکه اساسی‌ترین عامل است، چرا که در توسعه باید تغییرات عمیق در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی اتفاق بیفتد. عناصر فرهنگی نظیر نگرش افراد نسبت یکدیگر و نسبت به محیط زیست و کره زمین، وجدان کاری، تلاش و پشتکار، امانتداری، دگرخواهی، تعلق به هویت ملی، قانون‌مداری، رقابت سالم و سازنده و نظایر آن در توسعه پایدار نقش بسزایی دارد. مشارکت‌کننده‌ای ۳۹ ساله دانشجوی دکتری علوم سیاسی می‌گوید: «توجه به رابطه فرهنگ و توسعه پایدار نیازمند توجه به رابطه فرهنگ و اقتصاد است. اقتصاد پویا بدون توجه به فرهنگ بیمار است. کشورهای موفق در اقتصاد توسعه‌یافته به لحاظ فرهنگی هم شاخصه‌های متفاوتی با دیگر کشورها دارند. در این کشورها روحیه کار جمعی، صرفه‌جویی و حفظ منابع طبیعی، در بین افراد نهادینه شده است. کشاورزی یا صنعت و یا هر بخش درآمدزای موفق دیگری نیازمند پشتیبانی فرهنگی است». مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «توسعه پایدار با ملاحظه محیط زیست در فعالیت‌های اقتصادی به دنبال حفظ منابع تجدیدنپذیر و تضمین پایداری منابع تجدیدپذیر است. حفظ منابع در گرو تلاش و توجه تک افراد جامعه است. چنین امری نیازمند نهادینه شدن فرهنگ و رفتار صحیح استفاده از منابع ضمن توجه به ارزش و حفظ آنها برای آیندگان و پرهیز از آسیب زدن و از بین بردن منابع است».

۲. الزامات سیاستگذاری فرهنگی در توسعه پایدار

از آنجا که سیاستگذاری فرهنگی در حوزه توسعه پایدار نیازمند رعایت الزاماتی است که در نهایت دستیابی به توسعه پایدار را ممکن سازد، بنابراین از مصاحبه‌شوندگان این سؤال مطرح شد که «به منظور تدوین سیاستگذاری‌های فرهنگی در راستای دستیابی به توسعه پایدار، نیازمند توجه و رعایت چه الزاماتی هستیم؟». یک نفر از مصاحبه‌شوندگان بر این باور بود که لزومی به سیاستگذاری فرهنگی نیست. ایشان اظهار داشت سیاستگذاری فرهنگی موجب از بین رفتن خلاقیت، انعطاف و

مشارکت مردم در فرهنگ و تنوع فرهنگی شده که با روح آزادی‌های فردی و تغییر فرهنگی در تضاد است. به اعتقاد ایشان چون فرهنگ محصول زیست عده‌ای در شرایط خاص زمانی و مکانی است، نمی‌توان آن را به سایرین تسری داد. لذا مخالف سیاستگذاری دولت بود، چون به گفته وی، عرصه بر فعالیت‌های سازمان‌های خصوصی تنگ می‌شود؛ زمینه دخالت نابجای دولت فراهم می‌شود و بستری برای تبعیت از دولت فراهم می‌شود نه هدایت دولت. دیگر مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سؤال مذکور، الزامات مختلفی را بیان کردند. با توجه به مفاهیم انتزاع شده از اظهارات مشارکت‌کنندگان، الزامات در ۲ موضوع اصلی پیش‌نیازها و مقدمات تدوین سیاستگذاری فرهنگی و محتوای سیاستگذاری فرهنگی با ۲۶ زیر موضوع دسته‌بندی شدند. پیش‌نیازها و مقدمات، مربوط به شرایط و اقداماتی است که پیش از تدوین سیاستگذاری فرهنگی به منظور شناخت همه‌جانبه و تعیین اولویت‌ها و اهداف باید مهیا و انجام شود. محتوا نیز اشاره به موارد و بندهایی دارد که باید در متن سیاستگذاری فرهنگی گنجانده و لحاظ شود.

۱-۲. پیش‌نیازها و مقدمات تدوین سیاستگذاری فرهنگی

۱-۱-۲. **تدوین قوانین کارآمد و کاربردی:** اظهارات ۱۱ نفر از مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که قبل از اقدام به سیاستگذاری فرهنگی در حوزه توسعه پایدار لازم است قوانین مناسبی تدوین گردد. به گفته آنان با تمهید مقدماتی نظیر تدوین قوانین کارآمد و کاربردی می‌توانیم زمینه تولید، تکثیر و گسترش فرآورده‌های فاخر فرهنگی و هنری را به منظور رونق تجارت فرهنگی و تولید ثروت مهیا سازیم؛ مثل قوانین حمایتی یارانه‌دار به تولیدکنندگان محصولات فرهنگی و هنری.

۲-۱-۲. **شناخت و تحلیل تجارب و الگوهای سیاستگذاری برون‌مرزی:** به گفته ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان شناخت، مطالعه و تحلیل تجارب سایر کشورها در حوزه سیاستگذاری‌های فرهنگی مرتبط با توسعه پایدار، موجب می‌گردد مسیر پیش‌رو روشن‌تر گردد و از میزان خطا و اشتباه کاسته شود. لیکن بر طبق اظهار آنان بومی‌سازی الگوهای برون‌مرزی و توجه به ظرائف فرهنگی جوامع و ملت‌ها ضروری است. در این زمینه آناهید (۱۳۹۳) می‌گوید: «هر نظام اقتصادی در هر فرهنگ و جامعه‌ای یکنواخت عمل نمی‌کند و بر پایه‌های خاص خود استوار است و هر فرهنگی به میزان همخوانی با این بنیان‌ها با این نظام‌های اقتصادی سازگاری می‌یابد».

۳-۱-۲. **لزوم وحدت نظری فرهیختگان در تعریف فرهنگ و نقش آن در توسعه پایدار:** تشتت آراء و اختلاف نظر در تعاریف نظری موجب عدم همگرایی و یکسان‌نگری فکری در مورد کارویژه‌های فرهنگ در جامعه است. فرهنگ در تعریف سنتی و کلاسیک آن با ماهیت فرهنگ در دوران مدرنیته متفاوت است. در تعریف کلاسیک تولید فرآورده‌های فرهنگی بر عهده نخبگان است و در تعریف مدرن، عموم مردم باید در تولید نقش داشته باشند. تا زمانی که فرهیختگان و متولیان امر به اشتراک تعریف دست نیابند، تدوین و اجرای پروژه توسعه فرهنگی با مشکل مواجه می‌شود. لزوم وحدت نظری فرهیختگان در تعریف فرهنگ و نقش آن در توسعه پایدار، الزامی بود که از صحبت‌های ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان انتزاع شد.

۴-۱-۲. **نهادینه کردن نقد فرهنگی در جامعه:** اعتقاد به نسبییت در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی راه را برای رشد و تکامل بیشتر آن فراهم می‌کند. دوری از نگرش‌های اقتدار گرایانه سبب تصلب اندیشه‌ورزی در جامعه می‌شود. ۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان نقد منصفانه و عالمانه را موجب بازشناسی خطاها و ایرادهای احتمالی در مسیر تدوین و اجرای سیاستگذاری‌های فرهنگی دانستند. این جدا از تقویت حس همگرایی و انسجام ملی است.

۵-۱-۲. **لزوم تولید و انباشت علمی و نظری پیرامون سیاستگذاری فرهنگی در جامعه:** فقدان نظریه‌های فرهنگی و اجتماعی کاربردی را می‌توان امروز یکی از کمبودهای اساسی نظام اجتماعی جامعه ما دانست. مصاحبه‌شونده‌ای در این خصوص می‌گوید: «ما در تدوین نظریه اجتماعی کم کار بوده‌ایم. متولیان امر می‌بایست بستر لازم برای نظریه‌پردازی در

زمینه‌های اجتماعی را بیشتر فراهم کنند. از سوی دیگر صاحب‌نظران و اندیشوران هم باید کم کاری را کنار بگذارند و فقر موجود در این حوزه را برطرف نمایند». مصاحبه‌شونده دیگری می‌گوید: «با بررسی سطحی می‌توان فهمید که در زمینه توسعه فرهنگی، سیاستگذاری فرهنگی و توسعه پایدار ما به اندازه کافی منابع مطالعاتی به منظور رفع نیاز فرهیختگان تولید نکرده‌ایم، تا چه رسد به استفاده عموم مردم. ما باید یک انباشت بزرگی از نظریات فرهنگی و اجتماعی متناسب با نظامات فرهنگی و اجتماعی خود تولید کنیم».

۱-۲-۶. انتخاب صحیح ابزارهای سیاستگذاری فرهنگی: ابزارهای سیاستگذاری، ابزارها و تکنیک‌هایی می‌باشند که در اختیار حکومت بوده و حکومت از آنها جهت اجرای سیاست‌های موردنظر خویش استفاده می‌کند (عالمی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). هسته اصلی در سیاستگذاری فرهنگی، انتخاب ترکیب صحیح و متناسب ابزارهای سیاستگذاری است. بدون این ابزارها، تصمیم‌گیران و حکومت‌کنندگان نمی‌توانند گفتمان سیاسی و سیاست عمومی خویش را به کنش اجتماعی تبدیل کنند. ۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند هماهنگی در نوع و میزان استفاده از ابزارها در سیاستگذاری فرهنگی بسیار مهم است. به گفته آنها هر نوع سیاستی هنگامی موفق است که از ترکیبی مناسب و بهینه از ابزارها استفاده کرده باشد. همچنین سازگاری ابزارهای سیاستگذاری خود عاملی مهم در توفیق فرهنگی است. بنابراین باید چارچوب انتخاب صحیح ابزارهای سیاستگذاری فرهنگی رعایت شود.

۱-۲-۷. برنامه‌ریزی راهبردی: به اعتقاد ۵ نفر از شرکت‌کنندگان افزایش دقت و درجه اطمینان برنامه‌ریزی‌های تدوین شده به منظور انجام سیاستگذاری‌های فرهنگی مؤثر با استفاده از برنامه‌ریزی راهبردی که مبتنی بر شناخت نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و ارائه راهبردهاست، موجب شناخت عوامل بازدارنده توسعه فرهنگی و عوامل یاری‌رسان، شناخت محدودیت‌ها اعم از محدودیت‌های فرهنگی، اطلاعاتی، مالی، سیاسی، اجتماعی، امکانات و نظیر آن در راستای اجرای برنامه‌های فرهنگی مرتبط با توسعه پایدار و فرصت‌های مغفول مانده می‌شود. لذا رسیدن به توسعه پایدار همه‌جانبه که هدف اصلی است، با شناختی عمیق و عالمانه میسر می‌گردد.

۱-۲-۸. آینده‌پژوهی: آینده‌شناسی یا آینده‌پژوهی به معنای پیش‌بینی و تجسم آینده‌های محتمل و نه قطعی با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، شرایط و اقتضانات زمان حال و برنامه‌ریزی جهت آمادگی مواجهه با آنهاست (سردار، ۲۰۱۰؛ نقل در مرزوقی، حیدری و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۳۲). آینده‌پژوهی معادل لغت لاتین «Futures Study» است. کلمه جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متدلوژی‌ها و به جای تصور «فقط یک آینده» به گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردورزانه، در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «مطلوب» برای دگرگونی از حال به آینده می‌باشند (زارعیان و ستارزاده، ۱۳۹۰: ۱). به گفته ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان قبل از تدوین سیاستگذاری‌های فرهنگی مرتبط با توسعه پایدار، باید به آینده‌پژوهی پرداخت. به گفته آنان توسعه پایدار به دنبال آینده‌ای مطلوب برای نسل بشر است. در آینده‌پژوهی مربوط به توسعه پایدار باید بتوان این مطلوبیت و راه رسیدن به آن را به منظور مواجهه کم خطر با آینده کشف کرد.

۱-۲-۹. تداوم گفتمان توسعه فرهنگی در تمام دوره‌ها: ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که هدف‌گذاری توسعه فرهنگی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه نباید دستخوش هیچ نوع تغییری باشد. وقفه انجام شده، خواسته یا نخواست، موجب تعدیل و کم رونق شدن توسعه فرهنگی در سطح عمومی جامعه می‌شود. به گفته آنان با تغییر دولت‌ها، اولویت توسعه فرهنگی نباید کم‌رنگ شود. چون در صورت ایجاد موج سینوسی در روند گفتمان‌سازی، نمی‌توان شاهد نتیجه‌گیری مطلوب در بازه زمانی مورد نظر باشیم.

۱-۲-۱۰. به رسمیت شناختن مدیریت فرهنگی در میان سایر مدیریت‌ها: اگرچه مدیریت، علم مستقلی نیست و بیشتر جنبه اجرایی علوم انسانی با رویکردهای مختلف را علم مدیریت می‌دانند که البته فرا رشته و در تمام رشته‌ها مشترک است اما در میان مضاف‌های جامعه‌شناسی هم مدیریت فرهنگی را به منظور برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر اجرای صحیح سیاستگذاری فرهنگی ضروری می‌دانند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره اظهار داشت: «اگرچه در فرآیند توسعه فرهنگی تمامی بخش‌ها وظایفی دارند، اما هدایت کلی آن باید توسط مجموعه‌ای متخصص انجام گیرد. سپردن سکان کنترل نهادهای فرهنگی به افرادی با تخصص‌های غیرمرتبط، لطمات زیادی را به بار خواهد آورد».

۱۱-۲-۱۱. گماردن مجریان مطلع و معتقد به توسعه فرهنگی در امور اجرایی کشور: اگر در جامعه‌ای بهترین قوانین تدوین شود و در مقام منابع مادی و معنوی هم چالشی وجود نداشته باشد، اما در صورت عدم اعتقاد مجریان به قانون و برنامه ابلاغی نمی‌توان شاهد اجرای دقیق و مطلوب سیاستگذاری‌ها بود. ۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که برخی از مدیران و متولیان امر در سازمان‌های مختلف در مقابل اجرای برخی قوانین مقاومت می‌کنند. بنابراین می‌بایست از افرادی در مناصب تصمیم‌گیری استفاده شود که توسعه فرهنگی را امری غیر ضروری و در پاره‌ای از موارد مضر ندانند.

۲-۲. محتوای سیاستگذاری فرهنگی

۱-۲-۲-۱. لحاظ تنوع و تکثر فرهنگی و فرهنگ بومی: طبق اظهارات ۱۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان در سیاستگذاری فرهنگی باید از یک‌جانبه‌گرایی فرهنگی پرهیز و به انواع فرهنگ‌ها توجه نمود. در کشور ایران که متشکل از موزاییک اقوام است، تنوع فرهنگی اقوام باید در سیاستگذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد، در غیر این صورت، عدم مشارکت در تولیدات فرهنگی از جانب عموم مردم به وجود خواهد آمد و در نتیجه، استقرار توسعه پایدار به دلیل عدم پاسخگویی به نیازهای فرهنگی و اجتماعی با چالش مواجه می‌شود؛ چون توسعه پایدار پاسخگوی نیازهای متنوع فرهنگی و فرهنگ‌های بومی است، چند فرهنگ‌گرایی زمینه توسعه متوازن و پایدار را بیش از پیش مهیا می‌کند. نیشیومی^۷ (۲۰۱۳) اظهار داشت تنوع فرهنگی بخش مهمی از جنبه فرهنگی توسعه پایدار است. ضروری بودن وجود تنوع فرهنگی برای توسعه پایدار به دو دلیل است. نخستین دلیل بقای انسان به عنوان وسیله وجود فرهنگی است. همزیستی فرهنگ‌های مختلف باعث می‌شود انسان‌ها بهتر، قادر به وفق دادن خود با محیط شوند. همچنین برای اینکه فرهنگ، خلاقیت و حیات خویش را حفظ کند، وجود فرهنگ‌های دیگر ضروری است. ایده‌های جدید از دیگر فرهنگ‌ها متولد می‌شوند و منشا خلاقیت فرهنگی در برخورد مداوم بین فرهنگ‌های متفاوت قرار دارد. همچنین به منظور تحقق بخشیدن مبادلات میان فرهنگی و بهسازی، به عنوان پیش‌نیاز، تنوع فرهنگی باید وجود داشته باشد. دلیل دوم تضمین امنیت و حفاظت از حقوق انسانی اقلیت‌هاست. فقدان درک متقابل میان کشورها به جنگ، درگیری و تروریسم منجر شده است. برای ایجاد صلح، لازم است درک و تحمل متقابل بین فرهنگ‌ها وجود داشته باشد. اگر مردم تنوع فرهنگی را قبول و فرهنگ‌های دیگر را درک کنند، این امر به جلوگیری از درگیری و ایجاد صلح کمک می‌کند. از سوی دیگر، در یک کشور مردمی متعلق به فرهنگ‌هایی مانند مردم بومی، نژادهای اقلیت و مهاجران وجود دارد. پذیرش فرهنگ‌های مختلف، پذیرش راه زندگی، ارزش‌ها و زبان این مردم است.

۲-۲-۲-۲. سیاست جلب مشارکت افراد: اظهارات ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان بیانگر آن است که توسعه پایدار نیاز به مشارکت گسترده دارد. وجهی از این مشارکت، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها به منظور پشتیبانی در اجرای آنهاست. از سوی دیگر، فرهنگ بستری را برای تولید ثروت فراهم می‌کند که در آن اقشار مختلف جامعه اعم از پیر و جوان و زن و مرد، می‌توانند مشارکت گسترده داشته باشند. دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران و رشد اقتصادی پایدار از جمله اهداف توسعه پایدار است که بستر فرهنگی به خوبی قابلیت تحقق این اهداف را دارد. در واقع در توسعه پایدار انسان جزء مؤلفه‌های اصلی و مرکز توجه است که پرورش قابلیت‌های آن و تأمین نیازمندی‌های وی مدنظر است. مشارکت فرهنگی

7. Nishiumi

افراد، پرورش قابلیت‌های آنان را ممکن می‌سازد. لذا در سیاستگذاری‌های فرهنگی تدوین خط‌مشی‌ها و راهبردهایی که منجر به جلب مشارکت حداکثری افراد شود، می‌تواند در فرایند توسعه پایدار، نقش مثبت و مؤثری ایفا کند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان با سطح تحصیلات دکتری در رشته جامعه‌شناسی می‌گوید: «در بحث‌های توسعه پایدار، هر چه بیشتر به فرهنگ توجه شود، ضامنی برای تقویت همگرایی است. زبان فرهنگ، زبان صلح و دوستی است، زبان مراد و نزدیکی بیشتر کشورها به یکدیگر است. از طرفی استفاده‌کنندگان فرهنگ فقط از یک قشر نیستند. همچنین در بحث تولیدات فرهنگی نیز مشارکت اقشار مردم بیشتر است و این باعث شور و نشاط اجتماعی بیشتر و اجرای مؤثرتر برنامه‌ها می‌شود. بنابراین توجه به برنامه‌ها و سیاست‌های جلب مشارکت اقشار گسترده مردم از جمله بخش خصوصی و سازمان‌های مردمی در فرایند توسعه پایدار در بحث‌های سیاستگذاری حائز اهمیت فراوانی است که در نهایت دستیابی به توسعه پایدار را هموار می‌سازد».

۲-۳-۳. شناخت و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها: ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند فرهنگ ظرفیت قابل توجهی برای ایجاد ثروت بدون آسیب به منابع تجدیدناپذیر دارد. بنابراین به منظور بهره‌گیری از این ظرفیت در درجه اول باید برنامه مشخصی در جهت شناخت آن تدوین نمود. این برنامه باید مبتنی بر اهداف و سیاست‌های مندرج در سیاستگذاری‌های فرهنگی باشد. در این زمینه مشارکت‌کننده کد شماره ۵ می‌گوید: «بهره‌گیری از ظرفیت فرهنگ همچون سایر ظرفیت‌ها می‌تواند به پویایی اقتصاد کمک کند. توجه به فرهنگ، کالاها و خدمات فرهنگی، می‌تواند فشار مضاعف در جهت کسب ثروت از طریق سایر بخش‌ها نظیر کشاورزی را کمتر نماید. به این ترتیب از هر بخش به فراخور نیاز استفاده شده و حفظ این منابع برای آیندگان ممکن می‌شود. فرهنگ و ظرفیت بالای تولیدات و صنایع فرهنگی، پیشینه تمدنی ملت و سرزمین ما، ماهیت و غنای فرهنگی ما، قابلیت جهانی شدن فرهنگ ما، ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند ثروت‌ساز باشند. چنان‌که برخی کشورها نظیر اتریش، امریکا و هند در کسب ثروت از طریق بخش‌های مختلف فرهنگی نظیر سینما بسیار موفق عمل نموده‌اند».

۲-۳-۴. توجه به ارزش‌های جامعه ایرانی و ارزش‌های اسلامی: توسعه پایدار نیاز به فرهنگ‌سازی در تمام سطوح و سنین و ارائه آموزش‌های لازم به منظور دستیابی به رفتار مناسب دارد. در این بین توجه به ارزش‌های هر جامعه و فرهنگ حاکم بر آن و همچنین ارزش‌های اسلامی در سیاستگذاری‌های فرهنگی الزامی است که ۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند.

۲-۳-۵. انجام سیاستگذاری فرهنگی در سطوح کلان و خرد: یکی از الزامات سیاستگذاری فرهنگی از نگاه ۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان، انجام سیاستگذاری فرهنگی در دو سطح کلان و خرد بود که این سطوح باید تقویت‌کننده و تأییدکننده همدیگر باشند و نباید یکدیگر را نفی کنند. در این زمینه همایون و جعفری هفتخوانی (۱۳۸۷: ۱۷) اظهار داشتند از آنجا که سیاستگذاری فرهنگی بخشی از سیاستگذاری کلان ملی است، لذا همانند آن می‌تواند از دو سطح مکمل برخوردار باشد. سطح نخست یا «کلان‌نگر» که به منظور هماهنگی و برقراری پیوند و ارتباط بین بخش‌های گوناگون فعالیت‌های فرهنگی (نظیر میراث فرهنگی، آموزش و هنر) و سیاست‌های سایر حوزه‌ها (نظیر آموزش، ارتباطات، علوم، فناوری و محیط زیست) تدوین می‌گردد و در واقع سیاستگذاری برای توسعه عمومی جامعه است. سطح دوم نیز که سیاستگذاری فرهنگی «خردنگر» نامیده می‌شود، مرتبط با فرهنگ به معنای خاص آن است و ماهیت بخشی دارد و با بخش‌هایی نظیر ارتباطات و گردشگری در ارتباط است. این دو سطح لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند.

۲-۳-۶. توجه به فرابخشی بودن فرهنگ: مطابق نظر ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان، توسعه فرهنگی امری فرابخشی است و تقلیل آن به وظایف یک یا دو سازمان و یا فقط دولت را مسئول توسعه فرهنگی جامعه دانستن، سخن و نگرش صحیحی نیست. بر این اساس، تمام ارکان جامعه چه در بخش‌های حاکمیتی در همه قوا و چه شهروندان در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد و یا اصناف و سندیکاها و یا احاد شهروندان باید مشارکتی مسئولانه در مواظبت و ارتقاء فرهنگی داشته باشند. لذا بی

مسئولیتی از خود نافی تأثیرگذاری در این مقوله نمی‌باشد. بنابراین در سیاستگذاری‌های فرهنگی باید به این مهم پرداخته شود.

۲-۷. استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌های موجود در سیاستگذاری فرهنگی: متولیان امر شایسته است به منظور تحقق حداکثری آرمان‌ها و اهداف توسعه پایدار از تمام امکانات و ابزارهای موجود در اختیار، نهایت استفاده را ببرند. به نظر ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان در جامعه ما از رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ابزارها به شکل مناسب بهره‌برداری نمی‌شود، چرا که گستردگی و دایره اثرگذاری وسیع رسانه‌ها هنوز به اندازه کافی در نظام اجتماعی و سیاسی ما فعال نشده است. به گفته مصاحبه‌شوندگان باید سیاست‌ها و راهبردهایی به منظور شناخت این ظرفیت‌ها در محتوای سیاستگذاری فرهنگی لحاظ شود تا متولیان در نهایت توان و استعداد در امر توسعه پایدار، به فعالیت بپردازند.

۲-۸. سرمایه‌گذاری‌های مطلوب فرهنگی: توجه به سیاست‌های سرمایه‌گذاری مطلوب فرهنگی در محتوای سیاستگذاری‌های فرهنگی مرتبط با توسعه پایدار، الزامی بود که از صحبت‌های ۴ نفر از مشارکت‌کنندگان انتزاع شد. آنان اظهار داشتند سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با توسعه پایدار، باید با نیاز نسل‌های حال و آینده سازگار باشد و سیاست‌هایی به منظور حمایت از این نوع سرمایه‌گذاری‌ها تدوین شود.

۲-۹. دموکراتیزه کردن فرهنگی: به نظر ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگانی که دانش‌آموخته علوم سیاسی بودند، دموکراتیزه کردن فرهنگ، اهمیت مضاعفی دارد. به نظر ایشان، پذیرش تکثر فرهنگی و چند فرهنگ‌گرایی در ساختار حاکمیت، زمینه دموکراتیک کردن فرهنگ را فراهم می‌کند. در صورت دموکراتیک کردن فرهنگ، امکانات و اعتبارات فرهنگی به صورت یکسان در اختیار همگان قرار می‌گیرد و برابری مردم در بهره‌مندی از امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی محقق می‌شود که این مهم خود بستری برای تولید فرهنگی خواهد بود.

۲-۱۰. ساز و کارهای حفظ میراث فرهنگی: از دیگر الزامات محتوایی سیاستگذاری‌های فرهنگی از نگاه مصاحبه‌شوندگان، در نظر گرفتن سیاست‌هایی با ضمانت اجرایی محکم برای حفظ و نگهداری میراث تاریخی، ملی و مذهبی کشور بود. به گفته ایشان میراث فرهنگی، دارای ارزشمندی برای توسعه اقتصاد محلی، ایجاد شغل و تولید درآمد به ویژه در کشورهای در حال توسعه است.

۲-۱۱. رعایت حقوق مالکیت معنوی و فکری: توسعه فرهنگی با انباشتی از تولیدات گسترده در زمینه‌های هنری و فرهنگی مواجه خواهد شد، چرا که شمولیت و گستردگی حوزه فرهنگ و مشارکت عمومی شهروندان در میزان و نوع تولیدات را می‌توان ویژگی‌های منحصر به فرد توسعه فرهنگی دانست. اما این مهم محقق نمی‌شود، مگر اینکه قوانین روشن، محکم و بازدارنده در حمایت از تولید کننده ایده و فکر نو داشت. یکی از مصاحبه‌شوندگان بر این باور است که «در صورت عدم مبارزه جدی با انتحال در جامعه، کسی دیگر رغبتی به تولید علمی و فکری جدید نخواهد داشت ...».

۲-۱۲. تعیین ابزارهای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی: به گفته ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان بعد از طراحی نظری سیاست‌ها، در مرحله کاربست عملی، کارآمدی یا ناکارآمدی آنها مشخص می‌شود. بنابراین تعیین ابزارهای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی در مرحله اجرا به منظور تعیین کیفیت و کمیت اثرگذاری بر توسعه پایدار و ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست-محیطی آن؛ میزان هزینه‌های صرف شده؛ بازه زمانی اجرای سیاست؛ سطح جذب مشارکت مردم و سازمان‌ها و ... الزامی است که باید در متن سیاستگذاری به آن توجه نمود.

۲-۱۳. ایجاد ساز و کارهای هماهنگی: به گفته مشارکت‌کنندگان تدوین سیاستگذاری‌های فرهنگی مرتبط با توسعه پایدار باید با جلب مشارکت ذینفعان و مردم در سطح ملی انجام شده و اجرا و نظارت بر آن تا سطوح منطقه‌ای و محلی گسترش یابد. در این میان هماهنگی میان بخش‌ها و سطوح مختلف و در نظر گرفتن سیاست‌های لازم و متولیان اصلی در این خصوص، الزامی است که باید در متن سیاستگذاری‌های فرهنگی مرتبط با توسعه پایدار به آن پرداخته شود.

۲-۱۴. تدوین پیوست فرهنگی: طبق نظر ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان به منظور تقلیل و مدیریت تبعات سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... در انجام پروژه‌ها و طرح‌های متعدد و متنوع عمرانی و اقتصادی، الزام رعایت و مطالبه تدوین پیوست فرهنگی در محتوای سیاستگذاری فرهنگی در فرایند توسعه پایدار برای تمامی پروژه‌ها، الزامی است. تا به این ترتیب تأثیرات فرهنگی به خوبی ارزیابی و مشخص گردد. به گفته قادری (۱۳۹۲: ۹۰) مفهوم تأثیر فرهنگی به پیامدهای هر نوع اقدام یا سیاست جمعی یا خصوصی افراد انسانی گفته می‌شود که تا اندازه زیادی بر ارزش‌ها، هنجارها، باورها، کردارها، نهادها، سبک زندگی، کار، جامعه‌پذیری و سازماندهی آنها تأثیر می‌گذارد. مهم‌ترین هدف پیوست فرهنگی، ایجاد زمینه و شرایطی است که در آن ضمن اجرای مطلوب طرح‌های اقتصادی، ارزش‌ها و میراث فرهنگی ملی و بومی نیز حفظ گردد. با اجرای پیوست فرهنگی، سازمان‌ها و مؤسسات و کارگزاران طرح‌های عمرانی و اقتصادی در قبال تأثیرات فرهنگی طرح‌ها مسئول هستند و اقدامات لازم برای کاهش یا جبران تأثیرات مذکور را باید انجام دهند.

۲-۱۵. لحاظ دیپلماسی فرهنگی: به گفته ۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان با توجه به اینکه در سطح فرا ملی تعاملات فرهنگی و همکاری‌های فرهنگی ملت‌ها در دستیابی به توسعه پایدار اثرگذار است، لازم است در سیاستگذاری‌های فرهنگی در حوزه توسعه پایدار به دیپلماسی فرهنگی توجه شود. چرا که تمام جهان باید در فرایند توسعه پایدار مشارکت کنند. کشاورز شگری و بیات (۱۳۹۲: ۱۱) دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذاران بر مردم دیگر می‌دانند. به گفته آنان دیپلماسی فرهنگی تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگی میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل و تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی، اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و نوعی دستورالعمل فرهنگی است که روشنگر حرکت است.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، شناخت روابط فرهنگ و توسعه پایدار و الزامات سیاستگذاری فرهنگی در توسعه پایدار از دیدگاه صاحب‌نظران بود. بر اساس یافته‌ها، فرهنگ و توسعه پایدار تفکیک‌ناپذیر و برهم اثرگذارند. در راستای یافته‌های پژوهش حاضر در پژوهش یونسکو (۲۰۱۵)، تالماسیو (۲۰۱۵)، گرینچوا (۲۰۱۶) و سرکار و وکو (۲۰۱۶) نیز بر اهمیت، نقش و تأثیر فرهنگ در توسعه پایدار تأکید شده است.

یافته‌های پژوهش در زمینه الزامات سیاستگذاری فرهنگی در توسعه پایدار نیز، در دو موضوع اصلی پیش‌نیازها و مقدمات تدوین سیاستگذاری فرهنگی با ۱۱ زیر موضوع شامل تدوین قوانین کارآمد و کاربردی؛ شناخت و تحلیل تجارب و الگوهای سیاستگذاری برون‌مرزی؛ لزوم وحدت نظری فرهیختگان در تعریف فرهنگ و نقش آن در توسعه پایدار؛ نهادینه کردن نقد فرهنگی در جامعه؛ لزوم تولید و انباشت علمی و نظری پیرامون سیاستگذاری فرهنگی در جامعه؛ انتخاب صحیح ابزارهای سیاستگذاری فرهنگی؛ برنامه‌ریزی راهبردی؛ آینده‌پژوهی؛ تداوم گفت‌وگوها؛ توسعه فرهنگی در تمام دوره‌ها؛ به رسمیت شناختن مدیریت فرهنگی در میان سایر مدیریت‌ها؛ و گماردن مجریان مطلع و معتقد به توسعه فرهنگی در امور اجرایی کشور و محتوای سیاستگذاری فرهنگی با ۱۵ زیرموضوع شامل لحاظ تنوع و تکرر فرهنگی و فرهنگ بومی؛ سیاست جلب مشارکت افراد؛ شناخت و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها؛ توجه به ارزش‌های جامعه ایرانی و ارزش‌های اسلامی؛ انجام سیاستگذاری فرهنگی در سطوح کلان و خرد؛ توجه به فرابخشی بودن فرهنگ؛ استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌های موجود در سیاستگذاری فرهنگی؛ سرمایه‌گذاری‌های مطلوب فرهنگی؛ دمکراتیزه کردن فرهنگی؛ ساز و کارهای حفظ میراث فرهنگی؛ رعایت حقوق مالکیت

معنوی و فکری؛ تعیین ابزارهای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی؛ ایجاد ساز و کارهای هماهنگی؛ تدوین پیوست فرهنگی؛ و لحاظ دیپلماسی فرهنگی دسته‌بندی شد.

یافته‌های پژوهش صالحی‌میلانی و محمدی (۱۳۹۰) در زمینه دسترسی همگان به امکانات فرهنگی، مشارکت، تنوع فرهنگی، توجه به حقوق فرهنگی و توجه به میراث فرهنگی، به عنوان شاخص‌های مؤثر بر سیاستگذاری فرهنگی با هدف دستیابی به توسعه پایدار فرهنگی با پژوهش حاضر هم‌سوست. هم‌راستا با یافته‌های پژوهش حاضر، در پژوهش ملک‌محمدی و کمالی (۱۳۹۲) نیز به اهمیت شناخت صحیح از مفهوم توسعه پایدار، قوانین و مقررات کارآ، بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها، اهمیت مشارکت مردم و سازمان‌های غیر دولتی در فرایند توسعه پایدار و ایجاد ساز و کارهای لازم برای تحقق این امر در نهادینه شدن سیاستگذاری توسعه پایدار اشاره شد.

در مجموع سیاستگذاری فرهنگی منجر به مشخص شدن اولویت‌هایی می‌شود که به طور خاص به منظور دستیابی به اهداف باید به آنها توجه نمود. با مشخص شدن اولویت‌ها و تهیه و تدوین برنامه اجرایی، پیش‌بینی منابع و امکانات موردنیاز، استفاده بجا و بهینه از امکانات و منابع، شناخت فرصت‌ها و ظرفیت‌ها مبتنی بر برنامه، حمایت و تشویق فعالیت‌ها و همکاری‌های فرهنگی، حرکت در سمت و سوی اهداف توسعه پایدار میسر می‌شود و از هدر رفت وقت و هزینه و انحراف از مسیر اهداف جلوگیری می‌شود. همچنین با انجام سیاستگذاری فرهنگی، قدرت در جای مناسب خود قرار گرفته و هدایت و حمایت برنامه‌های توسعه با نگاهی جامع‌نگر، سهل‌تر می‌گردد. همچنین توان مدیریتی افزون می‌گردد.

توجه به روابط فرهنگ و توسعه پایدار و رعایت الزامات به‌دست آمده در پژوهش حاضر منجر به تدوین سیاستگذاری می‌شود که از مسیر فرهنگی، توسعه پایدار را ایجاد و تقویت خواهد کرد. این سیاستگذاری‌های فرهنگی، نتایجی در سطح ملی و بین‌المللی به همراه خواهد داشت. در سطح ملی با شکل‌گیری قدرت فرهنگی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، حفظ و گسترش هویت فرهنگی، تجارت فرهنگی، کسب ثروت و تسهیل و نهادینه کردن مشارکت شهروندان را محقق خواهد کرد و نیز به علت تولید و گسترش حجم وسیعی از فرآورده‌های فرهنگی و هنری در جامعه، زمینه زیست صلح‌جویانه سلامت‌آمیز را که سرشار از امید و نشاط برای شهروندان است، فراهم می‌نماید. در بعد بین‌المللی هم علاوه بر تجارت فرهنگی با تبادل و تعامل فرهنگی، ضمن تقلیل تنازعات جهانی، زمینه ارتقاء و نفوذ معنوی و فرهنگی در عرصه جهانی را برای کشور فراهم می‌کند. لیکن در حوزه تجارت فرهنگی تمهید مقدمات، شناخت تأثیر تجارت فرهنگی در رونق اقتصاد و شناخت ظرفیت تجارت فرهنگی در توسعه الزامی است.

منابع

- استراس، آنسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۹۳). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استربرگ، جی. کریستین (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه احمد پوراحمد و علی شماعتی. یزد: دانشگاه یزد.
- اشترینان، کیومرث (۱۳۸۱). روش سیاستگذاری فرهنگی. تهران: کتاب آشنا.
- آناهی، محمد (۱۳۹۳). رابطه توسعه پایدار اقتصادی با فرهنگ. در اولین کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲). فرهنگ‌شناسی. تهران: قطره.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹). مبانی و اصول سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات). تهران: نشر آن.
- حقیقی، علی محمد (۱۳۸۸). بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار؛ تحلیل موردی فرهنگ ایران. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۴ (۳۷) ۳۸ و ۷۶-۸۶.
- خان‌محمدی، یوسف (۱۳۸۶). دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی. اصول و مبانی کرامت انسان، جلد ۸.
- زارعیان، آرمین و ستارزاده، مریم (۱۳۹۰). رهیافتی در باب چگونگی و ماهیت آینده‌پژوهی. مجله دانشکده پرستاری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۱ (۱)، ۵-۱.



- زاهدی، شمس السادات، و نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۰ (۴): ۴۳-۷۶.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۷۷). توسعه و نابرابری‌های اجتماعی. رساله دکتری جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صالح‌نیا، نرگس، دهنوی، جلال، و حق‌نژاد، امین (۱۳۸۹). نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۴ (۴۳) و ۴۴، ۶۶-۷۹.
- صالحی‌میلانی، ساسان، و محمدی، مریم (۱۳۹۰). تدوین شاخص‌های سیاستگذاری با هدف تحقق پایداری فرهنگی؛ مورد پژوهی: منطقه کلانشهری تهران. مدیریت شهری، ۲۷، ۴۱-۵۸.
- عالمی، مسعود (۱۳۸۶). جایگاه ابزارهای سیاستگذاری در مهندسی فرهنگی کشور. راهبرد، ۴۵، ۱۳۹۳-۱۵۱.
- قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۲). شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: عملیاتی کردن این شاخص‌ها برای انجام پژوهش‌های میدانی. دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۲ (۴)، ۸۵-۱۰۷.
- کشاورز شکری، عباس، و بیات، محسن (۱۳۹۲). دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۴ (۲۳)، ۷-۲۹.
- گرجی‌مهلبنی، یوسف (۱۳۸۹). معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط زیست. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱، ۹۱-۱۰۰.
- مرزوقی، رحمت‌اله، حیدری، الهام، و حیدری، معصومه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین کیفیت تجارب یادگیری با رشد توانایی آینده پژوهی دانشجویان. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، ۱۱ (۲)، ۱۳۱-۱۳۸.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا، و کمالی، یحیی (۱۳۹۲). تحلیل نهاده‌سازی سیاستگذاری توسعه پایدار در ایران: بررسی موانع و ارائه مدلی برای آن. فرایند مدیریت توسعه، ۲۶ (۲)، ۱۶۱-۱۸۶.
- همایون، محمدهادی، و جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۸۷). درآمدی بر مفهوم و روش سیاستگذاری فرهنگی: درس‌هایی برای سیاستگذاران. اندیشه مدیریت، ۲ (۲): ۵-۳۵.
- Grincheva, N. (2016). Sustainable development in cultural projects: mistakes and challenges. *Development in Practice*, 26 (2), 236-250.
- Nishiumi, M. (2013). Sustainable development and culture. *ChuoOnline*, 7 Feb. Retrieved March 21, 2017, from <http://www.yomiuri.co.jp/adv/chuo/dy/research/20130207.html>
- Srakar, A. & Vecco, M. (2016). Culture as a fourth dimension of sustainable development? A statistical analysis. Retrieved March 21, 2017, from http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&ved=0ahUK Ewj6idqDr-rSAhXmC5oKHa7aCuUQFggmMAA&url=http%3A%2F%2Feventos.uva.es%2Ffile_manager%2Fget_aper%2F3421&usq=AFQjCNGgv8vf7kLUUwUNqNA9_ecrNQ_p8A&bvm=bv.150120842,d.bGs
- Talmaciu, M. (2015). The influence of cultural variables on Sustainable development. An analysis in the European context. *EURINT*, 2, 328-341. Retrieved March 5, 2017, from <https://ideas.repec.org/a/jes/eurint/y2015v2p328-341.html>
- UNESCO (2012). Culture: a driver and an enabler of sustainable development: Thematic Think Piece. UN System Task Team on the Post-2015 UN Development Agenda. Retrieved March 5, 2017, from http://www.un.org/millenniumgoals/pdf/Think%20Pieces/2_culture.pdf
- UNESCO (2015). UNESCO's Work on Culture and Sustainable Development: Evaluation of a Policy Theme. Evaluation Office. Retrieved March 21, 2017, from <http://unesdoc.unesco.org/images/0023/002344/234443e.pdf>
- UNESCO (2016). The Globalization of Cultural Trade: A Shift In Consumption. International flows of cultural goods and services 2004-2013. Retrieved December 24, 2016, from http://uis.unesco.org/sites/default/files/documents/the-globalisation-of-cultural-trade-a-shift-in-consumption-international-flows-of-cultural-goods-services-2004-2013-en_0.pdf.